

# روشنگر (۲)

پانچ به سوالات و شبهات سیاسی، اقتصادی، مذہبی و...



"موسسه مطالعات و پژوهش های سیاسی و فرهنگی روشنگر"  
«به سفارش سازمان بسیج دانشجویی»



# روشننگار



عنوان:

روشنگر (۲)

استاد راهنما:

آقای احسان فسروپردی

گردآوری و تالیف:

جمعی از پژوهشگران

تاریخ انتشار:

تابستان ۱۳۹۵

چاپ:

روزنامه جوان

وبگاه:

[www.mo-roshangar.blog.ir](http://www.mo-roshangar.blog.ir)

رایان نامه:

[mo.roshangar@gmail.com](mailto:mo.roshangar@gmail.com)



تهیه شده در موسسه مطالعات و پژوهش های  
سیاسی و فرهنگی روشنگر

## فهرست

- مقدمه..... ۰۲
- دلایل عقلی و نقلی ولایت فقیه ..... ۰۳
- وظایف رهبری ..... ۰۷
- فرزندان مقام معظم رهبری ..... ۰۹
- سهم رهبری از فروش خودروها ..... ۱۶
- نقش رهبری در مذاکرات هسته ای ..... ۱۹
- علت حرام بودن استفاده از کالاهای خارجی ..... ۲۳
- چرا روحانیت رئیس جمهور شدند؟ ..... ۲۴
- چرا سران فتنه محاکمه نمی شوند؟ ..... ۲۶

### مقدمه

از ابتدای شروع نهضت اسلامی توپ خانه های دشمن مرتبا ذهن جامعه را با شبهات، سوالات و شایعات مورد هدف قرار داده است و از این طریق سعی بر براندازی نرم جمهوری اسلامی ایران داشته اند؛ در سال های اخیر نیز شاهد بوده ایم که با حضور ماهواره ها، شبکه های مجازی و اینترنت این حملات بیش از پیش قوت گرفته است. متأسفانه در داخل کشور نیز گاهی با برخی کم کاری ها، کارشکنی های منافق گونه، خودخواهی ها و نزاع های سیاسی زمینه ایجاد و پذیرش اینگونه شبهات و شایعات آماده شده و پای تبلیغات چندین ساله دشمنان امضاء می گردد.

از سوی دیگر مطالعات فکری، فرهنگی و تحلیلی عمیق در جبهه انقلاب اسلامی به ویژه در بین اقشار دانشجو که پرچم دار نهضت اسلامی هستند افت کرده است، این عوامل در کنار یکدیگر موجب شده تا واقعیت ها زیر انبوه حملات و شایع پراکنی های دشمنان گم شود.

لذا برآن شدیم تا ضمن جمع آوری سوالات و شبهات مختلف اعم از سیاسی، تاریخی، مذهبی، اقتصادی و... با مطرح نمودن آن ها با اساتید مربوطه واقعیت ها را روشن کرده و با دروغ پردازی های دشمنان مقابله نماییم. و خداوند را شاکریم اینک شماره دوم پاسخ به شبهات را منتشر می نماییم.

شما دانشجویان و مخاطبین عزیز نیز می توانید با جمع آوری شبهات و سوالات مطرح در سطح دانشگاه و جامعه ی پیرامون خود و ارسال آن ها به نشانی [mo.roshangar@gmail.com](mailto:mo.roshangar@gmail.com) یا در تلگرام به شماره ۰۹۱۳۹۹۳۳۰۷۵ ما را در این امر یاری فرمایید.

ان شالله به لطف خداوند منان بتوانیم هرچند کوچک گامی در جهت اعتلای فرهنگ انقلاب اسلامی برداریم.

جاء الحق وزهق الباطل ان الباطل كان زهوقا

## ۱. دلایل نقلی و عقلی بر ولایت فقیه چیست؟

برای اثبات ولایت فقیه از طرف علما و دانشمندان شیعه دلایل متعددی اقامه شده است. و برخی از فقهای برجسته در مسأله، ادعای ضرورت نموده و گفته اند، ولایت و حکومت فقیه اساساً نیازی به دلیل و برهان ندارد. زیرا که این نوع ولایت و حکومت در جامعه بشری ضروری است. حضرت امام خمینی - رحمه الله علیه - در این باره می فرماید: «مسأله ولایت فقیه بعد از تصور اطراف قضیه به حدی روشن و واضح است که از مسائل نظری محسوب نمی گردد و لذا نیازی به دلیل و برهان ندارد،» ولی با این وجود ادله فراوانی بر اثبات ولایت فقیه در متون اسلامی وارد شده است.

دلیل عقلی: با توجه باینکه لزوم حکومت در جامعه بشری امری است بدیهی و غیر قابل انکار و این ضرورت در همه اعصار بوده است، و همان طور که حکومت اسلامی و ولایت امری، در زمان پیامبر گرامی اسلام - صلی الله علیه و آله - ضروری بوده است، در دوران غیبت امام - علیه السلام - نیز این ضرورت همچنان باقی است. زیرا اجرای کامل دین، در گرو تشکیل حکومت اسلامی است. و چنین ضرورتی نمی تواند موقت و محدود به دوران پیامبر و یا ظهور معصوم - علیه السلام - باشد. لذا با پذیرش اصل ولایت بعنوان یک ضرورت باید دید، چه کسی صلاحیت و لیاقت پذیرش این امر را دارد و با وجود چه کسی ولایت در جامعه از مشروعیت برخوردار خواهد شد؟ عقل می گوید که اگر کسی پیدا شد و شرایط عامه ولایت (از قبیل عقل و تدبیر) را دارا بود و از فقاقت و عدالت نیز در کارکرد ولایت و حکومت اسلامی برخوردار شد و جامع تمام شرایط بود، آن کس در اداره جامعه از دیگران سزاوارتر است. هر چند ولایت ملازم با دخالت در حوزه اختیار دیگران است و اصل و قاعده آن است که کسی حق تصرف و دخالت در امور دیگران را ندارد، لکن از طرفی، ولایت، ضرورت اجتماعی است و بدون آن زندگی اجتماعی انسانها سامان نمی یابد و فقدان آن مساوی با هرج و مرج است که نه عقل و نه شرع آنرا بر نمی تابد. لذا اگر برای فردی که صلاحیت تصدی ولایت را داراست، دلیل در میان بود از آن پیروی می کنیم. اما اگر دلیل خاص نیافتیم در آن صورت باید به قدر متیقن اکتفا کرد.

بر این اساس و به دلیل لزوم مشروعیت حکومت، نمی توان گفت هر فردی صلاحیت اعمال ولایت دارد، بلکه تنها کسی می تواند صلاحیت اعمال ولایت را داشته باشد که حکمش از نظر عقل نافذ باشد و تردیدی نیست که حکم فقیه و مجتهد به عنوان قدر متیقن نافذ بوده. و حکم غیر فقیه فاقد اعتبار است. غیر از دلیل عقلی، از گفتار معصوم - علیه السلام - نیز به طور روشن می توان استفاده کرد که مجتهدان و عالمان دینی در دوران غیبت، نمایان ایشانند و امر رهبری نیز مانند مرجعیت در حوزه صلاحیت آنان است. بعنوان نمونه به چند مورد اشاره می شود.

۱. در مقبوله عمر بن حنظله که مرحوم کلینی نقل می کند عمر بن حنظله می گوید: از امام صادق - علیه السلام - پرسیدم که هر گاه در میان دو نفر از اصحاب ما نزاع و دعویایی در دین یا میراثی رخ دهد، آیا می توانند سراغ سلطان یا قضات او رفته و بدین ترتیب رفع نزاع نمایند؟ حضرت فرمودند: هر کس از آنان بخواهد که در خصوص حق یا باطل قضاوت کند، در حقیقت این امر را از طاغوت خواسته و لذا هر نوع حکمی از ناحیه او صادر شود. اگر چه حق او ثابت باشد. اخذ آن مال حرام می باشد. بخاطر اینکه او حق خویش را به حکم طاغوت گرفته است. طاغوتی که خداوند فرمان داده است که بر او کافر شوند و قرآن می فرماید: «می خواهند طاغوت را داور قرار دهند با اینکه به آنها گفته شده از طاغوت تبری کنید.»

عمر بن حنظله آنگاه عرض کرد: پس این دو نفر چگونه و به چه ترتیبی نزاع خود را برطرف کنند؟ حضرت فرمودند: نظر کنند به سوی کسی که در میان شما است که حدیث ما را روایت می کند و در حلال و حرام دقت نموده و احکام ما را فهمیده است و لذا نسبت به حکم او راضی باشند، چه آنکه من او را برای شما حاکم قرار دادم پس اگر چنانچه او به حکم ما حکم نمود از او قبول نکردند قطعاً باعث استخفاف حکم خدا گردیده و ما را رد کرده است و رد کنندگان ما رد کننده بر خداست و این در حد شرک به خداوند است. امام خمینی - رحمه الله علیه - معتقدند که این حدیث از حیث سند اشکال ندارد و از لحاظ دلالت نیز بسیاری از فقهای برجسته با توجه به قراین موجود در حدیث با قاطعیت بر دلالت آن به موضوع ولایت فقیه حکم نموده اند.

۲. حدیث دوم برای اثبات ولایت فقیه توقیع مبارک امام زمان - عجل الله تعالی فرجه - است. حضرت ولی عصر - عجل الله تعالی فرجه - در پاسخ به نامه اسحاق بن یعقوب چنین مرقوم فرموده اند: «اما رویدادها و حوادثی که رخ می دهد به راویان حدیث ما مراجعه کنید، زیرا آنان حجت من بر شما هستند و من نیز حجت خدا هستم.» این روایت نیز از لحاظ سند متضافر است و مرحوم صاحب جواهر در توضیح می فرمایند: «فقیه حجت حضرت ولی عصر - عجل الله تعالی فرجه - بوده و از تمامی اختیاراتی که خداوند متعال به آن حضرت داده است برخوردار می باشد.

۳. پیامبر - صلی الله علیه و آله - فرمودند: فقها مادامی که وارد دنیا نشده اند امین پیامبرانند. عرض شد یا رسول الله معنای ورودشان در دنیا چیست؟ فرمود: پیروی از سلطان و اگر چنین کنند نسبت به دین خود از آنان بر حذر باشید. منظور از امین پیامبر بودن، امانتداری در تمامی شؤونی است که متعلق به رسالت اوست، خصوصاً زعامت امت و گسترش عدالت اجتماعی و همه آنچه که از مقدمات و اسباب و لوازم آن محسوب می شود.

۴. در روایتی دیگر از پیامبر - صلی الله علیه و آله - نقل شده که فرمودند: خداوند جانشینان مرا رحمت کن، عرض شد جانشینان شما چه کسانی هستند؟ فرمودند کسانی که بعد از من می آیند و حدیث و سنت مرا نقل می کنند. در اینجا از اطلاق حدیث که از علما بعنوان جانشین پیامبر یاد شده مسأله ولایت فقیه استنباط می شود. زیرا خلفا معنای وسیع دارد که شامل قضاوت و تبلیغ و ولایت هم می شود.

۵. از امام صادق - علیه السلام - نقل شده که فرمودند: پیامبر - صلی الله علیه و آله - فرمود: علما وارثان پیامبران هستند و آنان درهم و دینار به ارث نگذارند ولیکن علم را بعنوان میراث از خود باقی میگذارند و هر کس از آن اخذ نماید بهره بسیاری برگرفته است. حضرت امام خمینی - رحمه الله علیه - در این باره می فرمایند: مقتضای اینکه فقها وارث انبیاء هستند این است که انبیا ولایت عامه بر خلق داشتند، مجموع آنچه به آنان تعلق داشته و به فقها منتقل گردیده



است، غیر از مواردی که قابل انتقال نمی باشد و تردیدی نیست که ولایت همچون سلطنت قابل انتقال و توریث است لذا ولایت انبیاء به فقها منتقل گردیده است.<sup>۱</sup>

---

<sup>۱</sup> منابع :

امامت و رهبری، محمد حسین مختاری مازندرانی.

ولایت فقیه در حکومت اسلامی، سید محمد حسین حسینی تهرانی.

حکومت اسلامی، امام خمینی (ره)

ولایت فقیه، امام خمینی (ره)

وسائل الشیعه،

اصول کافی

وسائل الشیعه

## ۲. وظایف رهبری چیست؟

در یک جمله وظیفه رهبری، مواظبت نسبت به این امر است که جهت کلی کشور به سمت تحقق اهداف اصلی انقلاب پیش برود که از جمله این اهداف استقلال، آزادی، عدالت اجتماعی، اجرای اسلام ناب به خصوص در ساختار حاکمیت و جلو گیری از نفوذ بیگانگان جهت تاثیر گذاری بر امور کشور می باشد و البته طبق اصل ۱۱۰ قانون اساسی رهبری اجازه دارند بنا به تشخیص خود در هر امری که به اهداف اساسی انقلاب و کشور مربوط می شود راهکارهای موجود کفاف آن را نمی دهد دخالت جهت حل آن کند و همین اصل تا به حال به داد خیلی از دولت هایی رسیده است که حتی در عمل به این اصل قانون اساسی معنقد نبوده اند.

وظایف و اختیارات رهبر که در اصل ۱۱۰ قانون اساسی به آن ها اشاره شده است:

۱. تعیین سیاست‌های کلی نظام پس از مشورت با مجمع تشخیص مصلحت نظام

۲. نظارت بر حسن اجرای سیاست‌های کلی نظام

۳. فرمان همه پرسی

۴. فرماندهی کل نیروهای مسلح

۵. اعلان جنگ و صلح و بسیج نیروها

۶. نصب و عزل و قبول استعفاء :

الف: فقهای شورای نگهبان

د: رییس ستاد مشترک

ب: عالی‌ترین مقام قوه قضاییه

ه: فرماندهی کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی

ج: رییس سازمان صدا و سیما

و: فرماندهان عالی نیروهای نظامی و انتظامی

۷. حل اختلاف و تنظیم روابط قوای سه‌گانه

۸. حل معضلات نظام که از طرق عادی قابل حل نیست، از طریق مجمع تشخیص مصلحت

نظام

۹. امضا حکم ریاست جمهوری پس از انتخاب مردم صلاحیت داوطلبان ریاست جمهوری از

جهت دارا بودن شرایطی که در این قانون می‌آید، باید قبل از انتخابات به تایید شورای نگهبان

و در دوره اول به تایید رهبری برسد.

۱۰. عزل رییس جمهور با در نظر گرفتن مصالح کشور پس از حکم دیوان عالی کشور به تخلف وی یا رای مجلس شورای اسلامی به عدم کفایت وی
۱۱. عفو یا تخفیف مجازات محکومین در حدود موازین اسلامی پس از پیشنهاد رییس قوهی قضاییه

۳. درباره فرزندان رهبری توضیح دهید. آیا درست است که فرزند ایشان در بازار تهران سهم بسیار دارد؟

معظم‌له اکنون دارای ۶ فرزند هستند، نام دختران‌شان بشری و هدی است. یکی از دختران ایشان همسر فرزند آیت‌الله محمدی گلپایگانی رییس دفتر رهبری است که ضمن آراستگی به لباس شریف روحانیت و علم دین در دانشگاه‌های کشور نیز به تدریس متون حقوقی به زبان فرانسه اشتغال دارند و دختر دیگر ایشان همسر فرزند آیت‌الله باقری کنی از علمای تهران است. سید مصطفی، فرزند بزرگ ایشان با دختر آیت‌الله خوشوقت ازدواج کرده است، سید مجتبی، داماد دکتر غلامعلی حداد عادل است.

سید مسعود نیز با فرزند آیت‌الله خرازی و خواهر صادق خرازی ازدواج کرده است و سید میثم کوچکترین فرزند ایشان نیز به ازدواج دختر آقای لولاجیان از بازاریان متدین در آمده است. مقام معظم رهبری همچون امام راحل، فرزندان خود را از فعالیت‌های سیاسی و اقتصادی مبرا داشته و به ایشان توصیه کرده‌اند که در کارهای اقتصادی وارد نشوند.



از سمت راست: «سید میثم، سید مصطفی، آیت‌الله مهتوری، سید مجتبی و سید مسعود»

حضرت حجت‌الاسلام والمسلمین احمد مروی "دامت برکاته" که از دوران نوجوانی با آیت‌الله خامنه‌ای آشنایی و ارتباط نزدیک داشته و از سال‌ها پیش تاکنون نیز در مقام معاون ارتباطات حوزه‌های دفتر مقام معظم رهبری از نزدیک زندگی رهبر انقلاب را دیده است، می‌گوید: "ایشان



مجتب الاسلام احمد مروی

چهار فرزند پسر دارند که هر چهار نفر، طلبه و معمم هستند و حقیقتاً هم درس می‌خوانند و خوب هم درس می‌خوانند، من با این‌ها مأنوسم، این توفیق را دارم، نشست داریم و صحبت می‌کنیم. یک‌بار ندیده‌ام که اینها راجع به پولی، امکاناتی و چیزهای از این قبیل صحبت بکنند و گویی افرادی معمولی هستند و پدرشان هم یک فرد معمولی است.

فرزندانشان بیشتر همین مسائل درس و بحث برایشان مطرح است و نگرانی‌هایی که نسبت به مردم و نسبت به زندگی طلاب و نسبت به قضایای دیگر دارند، همان دغدغه‌هایی است که خود آقا دارند.

این خیلی ارزش دارد که امکانات باشد و موقعیت فراهم باشد و هیچ اقبالی به آن نشان داده نشود و این خیلی ارزشمند است، برای خود حضرت آقا، همه رقم امکانات هست ولی هیچ اقبالی ما نمی‌بینیم، نه خودشان، نه خانواده‌شان!

قطعاً خود حضرت آقا دوست ندارند که بستگان‌شان و مخصوصاً آقازاده‌هایشان در کارهای اقتصادی باشند، قطعاً این را آقا نمی‌پسندند.

خود این‌ها هم، هیچ رغبتی و هیچ اقبالی ندارند. حالا به هر صورت این جور تربیت شده‌اند که هیچ اقبالی به این چیزها ندارند.

فرزندانشان بیشتر همین مسائل درس و بحث برایشان مطرح است و نگرانی‌هایی که نسبت به مردم و نسبت به زندگی طلاب و نسبت به قضایای دیگر دارند، همان دغدغه‌هایی است که خود آقا دارند. این که آن‌ها برای خودشان دنبال آینده‌ای باشند، زندگی، مال، منال، پول، پس‌انداز اصلاً وجود ندارد. اگر بود، من مطلع می‌شدم. چون خیلی با این‌ها مأنوسم. من چنین چیزی واقعاً در این‌ها ندیده‌ام.

من یک وقتی در مورد آقازاده‌های آقا فکر می‌کردم که این‌ها چرا این قدر به تعبیر بنده، بچه‌های خوبی هستند. از هر جهت، خیلی خوب تربیت شده‌اند. دیانت، پاکی، زهد، بی‌تعلقی به

دنیا و عدم اقبال به مسائل دنیا و امکانات. ایشان در این موقعیتی هستند، که خیلی امکانات برایشان هست. برای کسانی که خیلی خیلی مراتب پایین تر هستند، بالاخره امکاناتی هست. برای این‌ها که در این مقام، در این رتبه هستند، خیلی امکانات برایشان بیشتر هست. اما حقیقتاً ما نمی‌بینیم که از این امکانات استفاده نکنند. یک علت آن، این است که هم خود آقا، هم خانواده ایشان. یعنی این پدر و مادر، دو بال هستند برای رشد و پرورش و تربیت فرزند. هم پدر، هم مادر، هر دو نقش دارند.

اگر یک بال شکسته باشد، آن رشد و آن پرواز را ما شاهد نیستیم، باید هر دو بال باشد و این را ما در زندگی حضرت آقا کاملاً احساس می‌کنیم. همان جوری که خود آقا مقید به زهد و سادگی و بی‌آلایشی و بی‌رغبتی به دنیا و زیورهای دنیایی هستند؛ ما همین را هم در مورد خانواده آقا احساس می‌کنیم. یعنی همسر ایشان هم دقیقاً همین جور هستند. این دو نمونه‌ای که من عرض کردم، هر دوی آنها مربوط به خانواده حضرت آقا می‌شد  
همین جور در مهمانی‌هایی که خانواده آقا تشریف می‌برند، گاهی خانواده‌های ما هم هستند، می‌آیند تعریف می‌کنند که خانواده حضرت آقا تقریباً جزو ساده‌ترین‌ها در این مهمانی‌ها، از نظر لباس و وضع ظاهری، هستند. آقازاده‌های حضرت آقا هم همین جورند."

### فعالیت های اقتصادی

درباره فعالیت‌های اقتصادی فرزندان رهبری رسانه‌های بیگانه شایعات زیادی را مطرح کرده اند. حجت الاسلام مروی درباره زندگی سید مصطفی خامنه ای خاطره ای نقل می کند و می گوید:  
"آقا مصطفی آقازاده بزرگ آقا همان سال اول ازدواجشان که طلبه قم بودند، خانه‌ای اجاره کرده بودند و مستأجر بودند - الان هم مستأجرند - ما را یک روز برای نهار دعوت کردند. ما رفتیم منزل ایشان. یک سال از ازدواج ایشان نگذشته بود، ماه‌های اول ازدواج ایشان بود. ما هم یک گلدان معمولی خریدیم و رفتیم که دست خالی نرویم. من واقعاً تعجب کردم که آیا این خانه، خانه یک تازه‌داماد است؟! حالا نه خانه فرزند رهبر انقلاب و مقام اول کشور، حتی خانه یک تازه‌داماد هم این نیست. یعنی یک خانه تازه‌داماد، بالاخره یک زرق و برقی دارد؛ تا مدت‌ها این زرق و برق خانه تازه‌داماد و خانه تازه عروس، هست. من توی خانه اینها، واقعاً همان زرق و

برق معمولی یک تازه‌داماد و یک تازه عروس را ندیدم. بسیار زندگی معمولی، دوتا فرش ماشینی، آن هم نه سه در چهار چون من دقت داشتم به این چیزها. دور و بر خودم را نگاه می‌کردم. حواسم بود و تا آنجا که می‌توانستم، رصد می‌کردم اوضاع و احوال خانه را. دو تا فرش شش متری انداخته بودند، دور خانه هم موکت بود و دو سه تا پستی ابری معمولی، نه مبلمانی، نه زرق و برقی! زندگی ساده و خوبی در آقازاده‌های ایشان سراغ داریم."

وی می‌گوید: "آقازاده‌ها در دفتر مسئولیتی ندارند. فقط در نشر آثار همکاری دارند و الاً هیچ کدام از آقازاده‌ها مسئولیتی ندارند. جایی هم مشغول نیستند. ممحّض در درس و کار طلبگی هستند درس می‌خوانند و انصافاً هم درسشان خیلی خوب است. خیلی خوب پیشرفت کرده‌اند. خود آقا مصطفی که الان سطوح عالی‌ه را در قم تدریس می‌کنند. ایشان مکاسب و کفایه در قم تدریس می‌کنند."

"با توجه به مخالفت و منع جدی مقام معظم رهبری هیچ‌گونه شغل یا کار اجرایی ندارند. و به صورت ساده و در سطح پایین‌ترین اقشار جامعه زندگی می‌کنند. به صورت کلی بنای مقام معظم رهبری بر این بوده و هست که فرزندان‌شان به هیچ وجه پستی را نپذیرند. علاوه بر این ایشان همیشه توجه دارند که هیچ یک از منسوبین از بابت ارتباطی که با ایشان دارند، برخوردار خاصی پیدا نکنند. چنانکه وقتی دخترشان در آستانه ازدواج بود با داماد شرط کردند تا زمانی که من مسئولیت دارم و رهبرم، شما به هیچ وجه نباید وارد کارهای اقتصادی یا مشاغل دولتی شوید، به همان کاری که تا به حال مشغول بوده اید، ادامه دهید. نکته دیگر اینکه که فرزندان رهبر انقلاب هیچ مسئولیت رسمی ندارند آنها حتی در بیت رهبری هم مسئولیتی به صورت رسمی به عهده ندارند."

### روایت وصلت

غلامعلی حدادعادل درباره نحوه شکل گرفتن وصلت دخترش می‌گوید: "سال ۷۷، خانمی به خانه ما زنگ زده بود و گفته بود که می‌خواهیم برای خواستگاری خدمت برسیم. خانم ما گفته بود دختر ما در حال حاضر سال چهارم دبیرستان است و می‌خواهد ادامه تحصیل دهد. ایشان دوباره پرسیده بودند اگر امکان دارد ما بیاییم دخترخانم را ببینیم تا بعد. اما خانم ما قبول

نکرده بودند. بعد خانم ما از ایشان پرسیده بودند اصلاً شما خودتان را معرفی کنید. و ایشان هم گفته بودند؛ من خانم مقام معظم رهبری هستم. خانم ما از هول و هراس دوباره سلام علیک کرده بود و گفته بود؛ ما تا حالا به همه پاسخ رد داده ایم. اما شما صبر کنید با آقای دکتر صحبت کنم، بعد شما را خبر می کنم. بعد از صحبت با من قرار بر این شد که آنها بایند و دخترمان را در مدرسه ببینند که هم دخترمان متوجه نشود و هم اینکه اگر آنها نپسندیدند، لطمه‌ای به دختر ما نخورد. طبق هماهنگی قبلی، خانم آقا آمدند و در دفتر مدرسه او را دیدند و رفتند. چند روز گذشت و من برای کاری خدمت آقا رفتم. آقا فرمودند؛ خانم استخاره کرده اند، جوابش خوب نبوده است.

یک سال از این قضیه گذشت. مجدداً خانواده آقا تماس گرفتند و گفتند ما می خواهیم برای خواستگاری بیاییم. خانم بنده پرسیده بودند چطور تصمیمتان عوض شده؟ آقا گفته بودند؛ خانم ما به استخاره خیلی اعتقاد دارد و دفعه اول چون خوب نیامده بود، منصرف شدند و خانم آقا هم گفته بودند؛ چون دخترتان دختر محجبه، فرهیخته و خوبی است، دوباره استخاره کردم که خوب آمد و اگر اجازه بدهید، بیایم."

حداد عادل ادامه می دهد: "بعد از چند روز خدمت آقا رفتیم. آقا فرمودند؛ آقای دکتر، داریم خویش و قوم می شویم. گفتیم؛ چطور؟ گفتند؛ خانواده آمدند و پسندیدند و در گفت و گو هم به نتیجه کامل رسیده اند، نظر شما چیست؟ گفتیم؛ آقا، اختیار ما دست شماست."

او ادامه می دهد: "آقا فرمودند که، شما، دکتر و استاد دانشگاهید و خانم تان هم همین طور. وضع زندگی شما مناسب است، اما زندگی من این طور نیست. اگر بخواهم تمام زندگی ام را بار کنم، غیر از کتاب هایم یک وانت بار می شود. اینجا هم دو اتاق اندرون و یک اتاق بیرونی است که آقایان و مسوولان در آنجا با من دیدار می کنند. من پول ندارم خانه بخرم. خانه یی اجاره کرده ایم که یک طبقه مصطفی و یک طبقه هم مجتبی زندگی می کنند. شما با دخترت صحبت کن که خیال نکند حالا که عروس رهبر می شود، چیزهایی در ذهنش باشد. ما این طور زندگی می کنیم. اما شما زندگی نسبتاً خوبی دارید. حالا اگر ایشان بخواهد وارد این



زندگی شود، کمی مشکل است. مجتبی معمم هم نیست. می خواهد قم برود و درس بخواند و روحانی شود. همه اینها را به او بگو بداند."

### حضور در دفتر نشر

در بین فرزندان رهبر معظم انقلاب، سید مسعود بیشترین اهتمام را به جمع آوری خاطرات پدر و اداره دفتر حفظ و نشر آثار رهبر معظم انقلاب مشغول است.

حجت‌الاسلام سید میثم خامنه‌ای فرزند چهارم حضرت ایت الله العظمی خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب است. او نیز دانش آموخته حوزه علمیه تهران است و سابقه شرکت در درس خارج آیت‌الله العظمی خامنه‌ای را دارند. سید میثم مشغول تدریس در حوزه علمیه تهران می باشند و با دفتر حفظ و نشر آثار رهبر معظم انقلاب اسلامی همکاری دارند.

### ادعاهایی درباره سید مجتبی

سید مجتبی خامنه‌ای دومین فرزند رهبر معظم انقلاب سابقه حضور در جبهه و عملیات های مختلف را دارد. نام مجتبی خامنه‌ای بیش از دیگر فرزندان رهبر معظم انقلاب به گوش می خورد. رسانه های بیگانه ادعاهای بی اساس مختلفی درباره او مطرح می کنند. آقای حداد عادل در یک سخنرانی در اصفهان به برخی شایعاتی که درباره دامادش مطرح است پاسخ داد. او با بیان اینکه مسائل مطرح شده درباره فرزند رهبر ایران برای ایجاد بدبینی در میان مردم و فاصله انداختن بین مردم و رهبر ایران بیان می‌شوند گفته بود "بی بی سی در فتنه ۸۸ می‌گفت یک کامیون شمش طلا مربوط به آقا مجتبی خامنه‌ای می‌خواسته از مرز خارج شود که ترکیه آن را بازداشت کرده است، یا می‌گویند آقا مجتبی در لندن یک بیمارستان و یک طبقه هتل را گارانتی کرده که بچه اش به دنیا بیاید و یک میلیون پوند پول داده‌اند، من زندگی آقا مجتبی را از نزدیک دیده‌ام، مگر من پدر بزرگ آن بچه نیستم که با ۵۰۰ هزار تومان در یک بیمارستان معمولی تهران به دنیا آمد و دکترش خانم وزیر سابق بهداشت، خانم دستجردی بود، می‌خواهند القا کنند که آقا زاده‌ها کامیون طلا از مملکت بیرون می‌برند و بدین‌سان شان ولایت فقیه را زیر سؤال ببرند".

## اعتراف بزرگ

اسفندماه ۸۹ عطاءالله مهاجرانی که مدیریت چند سایت اینترنتی مخالف جمهوری اسلامی ایران را نیز بر عهده دارد، در یک جلسه پرسش و پاسخ که در یکی از دانشگاه‌های انگلیس برگزار شد، تمامی تحلیل‌های رسانه‌های ضدانقلاب مبنی بر شباهت وضعیت ایران و مصر را رد کرد و آن را نشانه توهم این افراد دانست.

او که مخصوصاً در آن روزها با عناوینی همچون «مسئول اتاق فکر جریان ضدانقلاب داخلی در لندن» و «رئیس حلقه ضدانقلاب لندن» شناخته میشد با بیان اینکه «نمی‌شود شرایط ایران را مصری کرد»، وابستگی تام و تمام حسنی مبارک به غرب را یکی از تفاوت‌های بنیادین این کشور با ایران ارزیابی و تاکید کرد «جمهوری اسلامی ایران استقلال بی‌نظیری در عدم هرگونه وابستگی به غرب و شرق دارد».

او در دومین اعتراف خود به بررسی وضعیت فساد اقتصادی در خاندان مبارک در مصر پرداخت و آن را یک تفاوت آشکار میان ایران و مصر عنوان کرد. مهاجرانی با مقایسه وضعیت مسئولان ارشد ایران با مصر، درباره وضعیت زندگی و فعالیت‌های اقتصادی رهبر معظم انقلاب اعتراف کرد: «خود من که از آغاز انقلاب در مجلس بودم و در دولت بودم و آیت‌الله خامنه‌ای را می‌شناسم اقرار می‌کنم که حتی یک نقطه خاکستری، نه تاریک، در زندگی اقتصادی ایشان و خاندانش نمی‌شود پیدا کرد...»

آدرس فیلم‌های اشاره شده در متن:

<http://fetyan.net/newsdetail-۱۶۹-fa.html>

<http://leader-khamenei.com/shenakhte-rahbar/leader-in-sight-of-people/۱۷۳۰-mohajerani.html>

#### ۴. آیا درست است که بخشی از فروش خودرو به بیت رهبری اختصاص دارد؟

سلامت و پاکدستی شخص مقام معظم رهبری، فرزندان و بیت معظم اله به قدری بوده است که هیچگونه اسناد، شواهد و مدارک معتبری تاکنون علیه ایشان ارائه و یا منتشر نگردیده است و حتی یکی از بزرگترین مفاسد مالی پس از انقلاب که به دست شهرام جزایری در این کشور رقم خورده بود نیز با پاکدستی بیت معظم اله کشف و پیگیری گردید، نظر صریح رهبر معظم انقلاب در خصوص لزوم شفافیت اقتصادی به خصوص در مورد مسئولان و بزرگان انقلاب همیشه در تمام دولتها تکرار شده است و حتی ایشان نیز به تأسی از حضرت امام خمینی (ره) صراحتاً فرزندان شان را از ورود به عرصه های اقتصادی و سیاسی منع کرده اند و البته با این وجود در خصوص ایشان نیز بدون هرگونه سند و مدرکی اتهاماتی صورت گرفته است.

یکی از تهمت های ناجوانمردانه و فاقد هرگونه سندی که تاکنون به مقام معظم رهبری زده شده است بحث سهم رهبری از قیمت خودروهای داخلی است به نحوی که برای آن درصد و مبلغ هم معرفی شده و با همان بوق های دروغین که اصالتاً با هدف مقابله با امام، اسلام، انقلاب و رهبری مشغول فعالیت هستند مستمراً تکرار می شود تا با تکرار یک دروغ آن را مثل یک سخن راست جلوه دهند که همین نیز از فنون رسانه ای است که با تکرار یک خبر دروغ و یا مسکوت گذاشتن یک خبر راست سیاست های دولت های خود را دنبال می کنند و البته تخریب شخصیت والای مقام معظم رهبری یکی از بزرگترین آرزوهای ایشان بوده و هست چرا که وقتی برای ترورکنندگان ایشان پاداش و پناه تأمین می کنند، حتماً برای ترور شخصیت ایشان نیز از هیچ اقدامی ابا نخواهند داشت.

عدم ارائه ی حتی یک سند در خصوص اتهام برداشت سهم رهبری از قیمت خودرو با یک جستجوی ساده به راحتی قابل بررسی است مگر این که کسی اصلاً به دنبال حقیقت نباشد و مرجعش تنها همان رسانه های استکبار و مریدان آنها باشد و یا دلی پر از کینه به انقلاب و رهبری داشته باشد؛ از آنجا که در این چند سال افزایش قیمت خودروهای داخلی موجب اعتراض و نارضایتی مردم و مسئولان گردیده است، دروغ پردازان رسانه ای دوباره در بوق های

خود دروغ خودساخته شان را می دمند تا شاید بخشی از این تکدرها را متوجه رهبر معظم انقلاب نمایند.

### آیا واقعاً رهبری از قیمت خودرو سهم دارد؟!۱

با وجود این که وظیفه ی اتهام زننده است که سند و مدرک ارائه کند و تاکنون نیز در این خصوص چیزی ارائه نشده است، لیکن شواهد و اظهارات قابل تأملی در رد این اتهام وجود دارد که می توان به بیانیه ی دفتر مقام معظم رهبری<sup>۲</sup> و اظهارات مدیرعامل ایران خودرو در این خصوص اشاره کرد که به ترتیب ارائه می شوند:

به دنبال انتشار شایعه‌ی کذب اختصاص درصدی از قیمت تعیین شده برای خودروها به دفتر مقام معظم رهبری، بدین وسیله به اطلاع مردم شریف ایران می‌رساند این قبیل شایعات و دروغ پراکنی‌ها با هدف ایجاد تشویش و بدگمانی و اختلاف بین مردم و مسئولان نظام توسط دشمنان ساخته می‌شود و متأسفانه بعضی از رسانه‌های خبری نیز به آن دامن می‌زنند. لذا صریحاً اعلام می‌شود این شایعه دروغ محض بوده و تاکنون هیچ وجهی از هیچ یک از کالاهای تولیدی و وارداتی توسط این دفتر گرفته نشده است و مقام معظم رهبری همواره بر شفافیت قیمت‌گذاری و اطلاع‌رسانی صحیح به مردم تأکید داشته و دارند.

لذا ضمن توصیه به مسئولان برای اطلاع‌رسانی صحیح و شفاف به مردم در رابطه با سازوکار قیمت‌گذاری‌ها، از وزارت اطلاعات و دستگاه‌های ذی‌ربط مؤکداً خواسته شده است نسبت به شناسایی عناصری که چنین شایعاتی را با اغراض گوناگون ساخته و منتشر می‌کنند، اقدام و طبق ضوابط قانونی با آنان برخورد نمایند.

اطمینان داریم مردم عزیز ایران با هوشیاری خود، جنگ روانی دشمنان را خنثی و با فتنه‌انگیزی آنان مقابله خواهند نمود.

دفتر مقام معظم رهبری

<sup>۲</sup> [www.farsi.khamenei.ir/news-content?id=۹۱۲۷](http://www.farsi.khamenei.ir/news-content?id=۹۱۲۷)

مدیرعامل ایران خودرو در اظهارات خود به یک شایعه کهنه در مورد صنعت خودرو اشاره کرد تا پس از سال‌ها یک مقام رسمی در این مورد اظهارنظر کرده باشد. داستان از این قرار است که در دهه ۷۰ و در شرایطی که پیکان اصلی‌ترین خودرو تولید داخل بود، خیلی از مردم گمان می‌کردند ایران خودرو از بابت هر پیکان یک میلیون تومان به نهادها پرداخت می‌کند. عجیب اینجا بود که هیچ‌گاه نیز در این مورد شفاف‌سازی انجام نشد و کسی در مقام تایید یا تکذیب آن بر نیامد تا اینکه بالاخره مدیرعامل ایران خودرو در گردهمایی شنبه شب، صراحتاً این موضوع را تکذیب کرد. نجم‌الدین گفت: «که همواره از این دست شایعات پشت سر خودروسازان بوده؛ اما نه ما پولی به نهادها داده‌ایم و نه آنها چیزی از ما طلب کرده‌اند.»<sup>۳</sup>

---

<sup>۳</sup> [www.donya-e-eqtasad.com/news/۷۳۵۲۴۱](http://www.donya-e-eqtasad.com/news/۷۳۵۲۴۱)

۵. نقش رهبری در مذاکرات هسته ای چه بود؟ چرا معظم له با مذاکرات موافقت

کردند؟ مهمترین دلیل جمهوری اسلامی ایران برای شرکت در مذاکرات چه بود؟

برای بررسی این موضوع ابتدا باید دانست نقش رهبری در نظام جمهوری اسلامی چیست و موضوع هسته ای در چه جایگاهی برای نظام تعریف می شود. بر اساس اصل ۱۱۰ قانون اساسی یکی از مهمترین وظایف رهبری انقلاب تعیین و ابلاغ سیاست های کلی نظام است. از سوی دیگر بر مبنای اصل ولایت امر و امامت امت یا همان ولایت فقیه، بالاترین مرجع دینی و مشروع در اداره و تعیین خط و مشی های نظام اسلامی، رهبری است. همزمان با بالاگرفتن موضوع هسته ای در اوایل دهه ۸۰ شمسی و خیانت و سر و صدای منافقین در مخدوش کردن چهره نظام و متهم کردن جمهوری اسلامی به کوشش برای استفاده نظامی از انرژی هسته ای، مسئله ی فناوری صلح آمیز هسته ای از موضوعی معمولی به عالی ترین سطح امنیتی نظام ارتقا یافت و بالطبع باید سیاستی کلی برای آن تعیین می شد. با این اوصاف می توان گفت در زمینه ی هسته ای اولین نقش رهبری سیاست گذاری کلی است. نمونه ی این سیاست ها تأکید بر ادامه تحقیقات و فعالیت در این صنعت و همچنین فتوای مقام معظم رهبری مبنی بر حرمت تولید و نگه داری سلاح هسته ای است.

البته با توجه به استراتژی های متفاوت هر دولت در اجرای سیاست های کلی، رویکرد و اقدامات متفاوتی در زمینه ی هسته ای طی سالیان قبل به اجرا گذاشته شد. اما آنچه که بین سه دولت گذشته مشترک بوده بحث مذاکره بر سر موضوع با طرف های مدعی غربی هست. جمهوری اسلامی از ابتدا با حمایت رهبری در مذاکرات هسته ای حضور داشته چرا که با توجه به منطق محکم و اعتماد بر عملکرد خود و پایبندی به قوانین بین المللی چیزی برای کتمان نداشته و ندارد.

مذاکرات در ۱۲ سال گذشته توسط تیم های مذاکراتی با رویکرد ها و شیوه های متفاوت انجام شده و رهبری هم از مذاکره کنندگان حمایت کردند. در واقع حمایت رهبری از افراد مذاکره کننده برای دلگرمی و دست بالا داشتن در مذاکرات بوده ولی لزوماً به معنای تأیید همه ی عملکرد ها نمی باشد.

رهبر معظم انقلاب در زمینه ی موافقت با مذاکرات در دولت یازدهم فرمودند: موافقت با این مذاکرات برای شکستن فضای خصمانه جبهه استکبار بر ضد ایران بود و این مذاکرات باید ادامه یابد اما همه بدانند که با وجود ادامه مذاکرات، فعالیتهای جمهوری اسلامی ایران در زمینه تحقیق و توسعه هسته ای به هیچ وجه متوقف نخواهد شد و هیچیک از دستاوردهای هسته ای نیز تعطیل بردار نیست، ضمن آنکه روابط آژانس بین المللی انرژی اتمی با ایران نیز باید روابط متعارف و غیرفوق العاده باشد...هدف آنها این است که با این بهانه، فضای بین المللی را بر ضد ایران حفظ کنند و بر همین اساس بود که با طراحی جدید دولت برای مذاکره درخصوص موضوع هسته ای موافقت شد تا این جو جهانی شکسته و ابتکار عمل از طرف مقابل گرفته شود و حقیقت نیز برای افکار عمومی دنیا مشخص شود. (۹۳/۱/۲۰)

همچنین ایشان در پاسخ به شبهه ای که دخالت مستقیم و اطلاع رهبری از جزئیات مذاکرات را مطرح کرده بود فرمودند: بنده در جزئیات مذاکره دخالتی نکردم، باز هم نمیکنم؛ من مسائل کلان، خطوط اصلی، چهارچوبهای مهم و خط قرمزها را به مسئولین کشور همواره گفته‌ام؛ عمدتاً به رئیس جمهور محترم که ما با ایشان جلسات مرتب داریم، و موارد معدودی هم به وزیر محترم خارجه؛ خطوط اصلی و کلی. جزئیات کار، خصوصیات کوچک که تأثیری در تأمین آن خطوط کلان ندارد، مورد توجه نیست؛ اینها در اختیار آنها است، میتوانند بروند کار کنند. اینکه حالا گفته بشود که جزئیات این مذاکرات تحت نظر رهبری است، این حرف دقیقی نیست. (۹۴/۱/۲۰)

بر اساس بیان خود ایشان مشخص می شود که رهبری انقلاب همانطور که اول عرض شد با ابلاغ خطوط کلی و خط قرمزها به تیم مذاکره کننده در واقع سیاست گذاری هسته ای انجام دادند و استراتژی رسیدن به این اهداف را بر عهده تیم مذاکرات گذاشتند. البته ایشان در طول این مدت علاوه بر حمایت از اعضای تیم مذاکره کننده و تعدیل فضای کشور در اظهار نظر و نقد مذاکرات، همزمان صحنه ی معادلات بین المللی و داخلی در موضوع هسته ای را هم مدیریت می کردند که نمونه ی آن در داخل را می توان اصرار ایشان بر طی شدن سیر قانونی تصویب برجام در مجلس شورای اسلامی و شورای عالی امنیت ملی دانست.

در خصوص دلایل موافقت معظم له با مذاکرات نیز باید گفت مذاکره فی نفسه موضوعیتی ندارد و در واقع باید برای مذاکرات هدفی را تعریف نمود تا با استفاده از این ابزار شرایط تحقق آن هدف ایجاد شود. در نتیجه اگر مذاکره برای مذاکره باشد، کاری بی معنی انجام گرفته که رهبری انقلاب هم این چنین به آن اشاره کرده اند: «مذاکره از روی حُسن نیت، با شرایط برابر، میان دو طرفی که نمیخواهند به یکدیگر کلک بزنند، معنا پیدا میکند. مذاکره به صورت یک تاکتیک، مذاکره برای مذاکره، مذاکره برای فروختن ژست ابرقدرتی بیشتر به دنیا، این مذاکره یک حرکت حيله‌گرانه است؛ این حرکت واقعی نیست.» (۹۱/۱۱/۱۹)

از طرفی در شرایطی که دولت ایالات متحده با کمک هم پیمانان خود فشارهای اقتصادی و سیاسی بعد از ناکامی در فتنه ۸۸ را بر جمهوری اسلامی ایران افزایش دادند شرایطی بوجود آمد تا بار دیگر طرف مقابل آمادگی خود برای مذاکره را اعلام نماید. البته در داخل کشور هم با توجه به تغییر دولت و روی کار آمدن افرادی که سابقه ی انجام مذاکرات هسته ای را داشتند، شرایط به گونه ای رقم خورد که جمهوری اسلامی از موضوع قدرت و با دست پر که حاصل چندین سال فعالیت صنعت هسته ای کشور بود به پای میز مذاکره بازگردد. مقام معظم رهبری در بخشی از بیانات خود با اشاره به عدم تأثیر تحریم ها بر اراده و عزم نظام فرمودند: «میگویند ما تحریم کردیم، ایران مجبور شد بیاید پای میز مذاکره، نه، [این طور نیست]. ما قبلاً هم اعلان کردیم، قبل از این حرفها هم ما گفتیم [که] نظام جمهوری اسلامی درباره ی موضوعات خاصّی که مصلحت بداند، با این شیطان برای رفع شرّ او و برای حلّ مشکل، مذاکره میکند؛ معنای این آن نیست که این ملت مستأصل شده است، ابداً.» (۹۲/۱۰/۱۹)

همچنین معظم له در آخرین دیدار خود با برخی از دانشجویان در خصوص مذاکرات می فرمایند: «در برجام یک چیز ثابت شد و آن اینکه آمریکاییها دارند دشمنی می کنند با ما، دارند دشمنی می کنند؛ نه فقط کنگره ی آمریکا که حالا نقش شمر را دارد بازی می کند به اصطلاح، اینهایی هم که نقش شمر را نمی خواهند بازی کنند -یعنی دولت آمریکا- اینها هم دارند دشمنی می کنند منتها شکل دشمنی شان فرق دارد با آنها؛ اما دارند دشمنی می کنند؛



اینکه خب [معلوم شد]. خب، اینها را ما تجربه قرار بدهیم. عقلانیت این است که انسان با یک چنین دشمنی، با خرد، با تدبیر، با حذر، با فریب نخوردن، با نزدیک نشدن به میدان توطئه‌ی او، با وارد نشدن در میدانی که او ترسیم کرده، با اینها باید انسان پاسخ بدهد. بله، آنها در قضیه‌ی منطقه‌ی غرب آسیا - منطقه‌ی سوریه و لبنان و مانند اینها - خیلی دلشان میخواهد با ایران بنشینند هماهنگی کنند؛ گفته‌اند هم؛ [اما] ما نمیخواهیم. مشکل آنها اصلاً حضور ایران است، آنها به این قصد مذاکره میکنند که حضور ایران را متوقف کنند؛ ما سر چه چیزی با اینها مذاکره کنیم؟ آنها میگویند ایران اصلاً باید نباشد و در این منطقه حضور نداشته باشد، مشکل آنها این است؛ این مشکل را میخواهند حل کنند؛ ما چرا کمک کنیم به حل این مشکل آنها؟ ما بعکس میخواهیم آمریکا حضور نداشته باشد. بنابراین عقلانیت هم این است.» (۹۵/۰۴/۱۲)

پس به طور خلاصه می توان مهمترین دلایل حضور و ادامه مذاکرات از سوی ایران را به صورت زیر بیان کرد:

۱. شکستن فضای خصمانه جبهه استکبار بر ضد ایران
۲. گرفتن ابتکار عمل از طرف مقابل
۳. مشخص شدن حقیقت برای افکار عمومی دنیا
۴. دفع شر دشمن و حل مشکل
۵. ادامه حیات صنعت هسته ای و تحقیق و توسعه آن

## ۶. علت حرام اعلام کردن استفاده از کالاهای آمریکایی توسط رهبر انقلاب چیست؟

در این زمینه چند نکته قابل ذکر است:

۱. اصولاً رهبر انقلاب نسبت به مصرف کالاهای خارجی (همه کشورها) حساس هستند و به همه به ویژه مقلدین خود توصیه می کنند تا زمانی که کالای داخلی با کیفیت یافت می شود از مصرف کالاهای خارجی پرهیز کنند ولی حرام اعلام کردن مصرف کالاهای خارجی جزء در مورد کالاهای ساخت آمریکا و رژیم غاصب صهیونیستی صحت ندارد.

۲. ایشان در متن نامه ای که به آقای دکتر روحانی در مورد برجام نوشته اند اعلام کردند که نباید اجازه داده شود تا کالاهای مصرفی آمریکایی وارد ایران شود و آن هم دلیل خاص خود را داشت. آمریکایی ها پس از برجام برنامه های مبسوطی برای نفوذ و اثر گذاری فرهنگی و سیاسی بر جامعه ایران و سیاستمداران ایرانی دارند، که یکی از راهکارهای آمریکایی ها برای این امر از طریق کالاهای مصرفی است که با خود فرهنگ مبتذل آمریکایی را به همراه دارد. خیلی جالب است که بدانید آمریکایی ها قبل از این که اساساً برجام اجرایی شود تحریم صادرات کالاهایی مانند برخی کوشی های همراه و به خصوص نوشیدنی های آمریکایی را علیه ایران حذف کردند تا این کالاها بتوانند به راحتی دست مصرف کننده ایرانی برسد. به عنوان مثال آمریکایی ها یک نوع نوشابه وارد بازار ایران کرده اند که الکلی نیست ولی مزه نوشیدنی های الکلی را می دهد که مضرات خاص خود را دارد، در واقع آمریکایی ها در صدد هستند تهاجم فرهنگی خود را از طریق کالاهایی که به ظاهر فرهنگی نیستند اجرایی کنند که رهبری معظم انقلاب به این امر پی بردند و ورود کالاهای مصرفی آمریکایی را به کشور ممنوع اعلام کردند هر چند که آمار گمرک کشور نشان می دهد که دولت تاکنون به این امر پایبند نبوده است.

۷. در روزنامه کیهان ۱۳۵۸/۱۰/۹ از قول امام(ره) بیان شده است روحانیون نباید رئیس جمهور شوند؛ ولی حالا رئیس جمهور روحانی، رئیس قوه قضائیه روحانی و بسیاری از پست های مدیریتی در دست روحانیت است، آیا این خلاف گفته امام(ره) نیست؟

در نحوه مواجهه امام با مسئولیت اجرایی روحانیون اگر توجه به مقتضیات زمان نداشته باشیم شاید فکر کنیم که امام راحل رویکرد دوگانه از خود نشان داده است؛ زیرا ایشان در قبل از پیروزی انقلاب می فرمودند: «روحانی نقش باید داشته باشد، خودش رئیس جمهور نشود لکن در ریاست جمهوری نقش داشته باشد و کنترل کند.»<sup>۴</sup>

امام حتی در کتاب «کشف اسرار» خود تصریح می کند: «این که می گویند حکومت باید به دست فقیه باشد نه آن که فقیه باید شاه و وزیر و سرلشگر و سپاهی و سپور باشد بلکه فقیه باید نظارت در قوه تقنینیه و در قوه مجریه ممالک اسلامی داشته باشد.»

اما آنچه در عمل اتفاق می افتد، روی کار آمدن روحانیون و مسئولیت گرفتن آنها و رئیس جمهور شدن آیت الله خامنه ای، ریاست مجلس آقای هاشمی رفسنجانی، می شود! باید پرسید که چه عاملی باعث این رویکرد دوگانه شده است؟

آنچه که در اندیشه سیاسی امام باید توجه کرد، تحقق و اجرای اسلام ناب محمدی است. این که به دست چه کسانی اجرا شود فرع براین می باشد. ایشان شأن یک روحانی را بالاتر از این می داند که کار اجرایی بکند. در اندیشه امام روحانیت باید هادی و ناظر باشند و افرادی مثل «بنی صدر» و «بازرگان» مجریان باشد و در ابتدای پیروزی انقلاب هم همین سیاست را پیاده کردند. افرادی مثل رجایی ها قدرت را به دست گرفتند اما اقتضای زمانه باعث شد امام راضی به مسئولیت روحانیون بشود. ایشان می فرماید: «ما می خواهیم اسلام را پیاده کنیم ... مادامی که احکام اسلام پیاده نشده است و افراد صالحی نداشتیم تا طبق اسلام عمل کنند، علما باید

باید به کارهایشان مشغول باشند. این شأن برای علما نیست که ریاست جمهوری یا پست دیگری داشته باشند، چون وظیفه است به این کارها می پردازند.<sup>۵</sup>

امام قبل از انقلاب به این باور بود که حکومت باید در دست کارشناسان باشد و حقی را برای یک طبقه ویژه از طبقات باز نمی کردند که به عنوان یک طبقه یا صنف امور مملکت را بدست گیرند اما با توجه به شرایط زمانی و مکانی و ارزیابی عملکرد روشنفکران همانند دولت موقت و اعضای آن به این باور رسیدند که تا باز پروری نیروهای کارآمد و کارا، با ویژگی های مورد نظر، روحانیت و عالمان اسلامی پست های کلیدی را در دست گیرند و جامعه را به سوی اهداف و آرمان هایش هدایت کنند.

این مسأله در دگرگونی رویکرد امام در حقیقت راهکار «زمان» است که باعث تغییر نظر ایشان شده است و بنابراین می فرماید: «الان از باب اینکه می بینند که نمی تواند و نخواهد توانست کسان دیگر این کشور را آن طوری که اسلام می خواهد اداره بکنند و ما تجربه کردیم که نشد، این آقایان با اینکه شغلشان این نیست و حالا من عرض می کنم که بنای روحانیون براین نیست که حکومت را بگیرند، حکومت چیست؟ اما بنای روحانیون براین نیست که اسلام را حفظ کنند؟ ما گمان می کردیم که در بین روشنفکران ما (به اصطلاح) خوب اشخاصی پیدا می شوند که متعهدند و حفظ می کنند این را، اگر حالا هم پیدا شد یک همچو اشخاصی، یک همچو جمعیت هایی، آقایان پست های مهمتر دارند می روند سراغ کارشان. آقای هاشمی هم می روند، آقای خامنه ای هم می روند... اما چه بکنیم؟... امروز بدون این ها نمی شود اداره کرد.»<sup>۶</sup>

<sup>۵</sup> صحیفه نور، ج ۱۷

<sup>۶</sup> صحیفه نور، ج ۱۶، ص ۴۶۶ (سخنرانی در ۹ شهریور ۱۳۶۱ / حسینیه جماران / به مناسبت میلاد امام رضا (ع))

## ۸. چرا سران فتنه محاکمه از طریق قانونی محاکمه نمی‌شوند؟ آیا حصر مستندات قانونی دارد؟<sup>۷</sup>

قبل از بیان هر مطلبی باید به این نکته مهم توجه داشته باشیم که این افراد سران فتنه نیستند بلکه جزو اصحاب فتنه هستند و می‌توان آن‌ها را سران اصحاب فتنه نامید؛ ما با سران فتنه نامیدن آن‌ها عملاً فتنه ۸۸ را به یک موضوع صرفاً داخلی و منقطع از دخالت و نقش آفرینی محوری دشمنان تقلیل می‌دهیم و زمینه غفلت از ریشه فتنه و دشمن را فراهم می‌کنیم. این همان نکته مهمی است که امام خامنه‌ای (مدظله العالی) در بیانات خود بر آن تاکید نمودند:

«این کسانی که شما بهشان می‌گوئید سران فتنه، کسانی بودند که دشمن اینها را هل داد وسط صحنه. البته گناه کردند. نبایستی انسان بازیچه‌ی دشمن شود؛ باید فوراً قضیه را بفهمد. اگر اول غفلتی کرده است، وسط کار وقتی فهمید، بلافاصله بایستی راه را عوض کند. خوب، نکردند. عامل اصلی دیگرانی بودند که طراحی کرده بودند...»<sup>۸</sup>

در این زمینه گفتنی‌ها بسیار است اما در این نوشتار سعی گردیده به اختصار به مهم‌ترین وجوه این سؤال پاسخ داده شود:

۱- دوستداران امام (ره) و کسانی که خود را به عنوان خط امام و یاران امام معرفی می‌کنند بهتر می‌دانند که «جرم مشهود» - آن هم در عصر رسانه و ارتباطات و عصری که می‌توان دفاعیات و سخنان مجرمین را در سایت‌ها، رسانه‌ها و بیانیه‌هایشان دید و شنید - چه جایگاهی در هندسه فکری امام خمینی (ره) دارد؛ چرا که امام (ره) می‌فرمایند: «اعتقاد ما این است که مجرم محاکمه ندارد.»

<sup>۷</sup> در تهیه محتوای این مطالب پایگاه‌های جهان نیوز، مهر، تسنیم و وبلاگ‌های سلمان علی و هم صحبت مورد استفاده قرار گرفتند.

<sup>۸</sup> بیانات در دیدار مردم قم در سالروز قیام ۱۹ دی؛ ۱۹/۱۰/۱۳۸۹

بر همین اساس امام (ره) اعتقاد داشتند با توجه به این که جرم سران جنایتکار رژیم پهلوی مشهود است برای مجازات ایشان نیازی به محاکمه نیست ایشان می‌فرمودند:

«اصلاً معنا ندارد محاکمه مجرم؛ محاکمه مجرم یک امری است که مخالف با حقوق بشر است. حقوق بشر اقتضا می‌کند که ما آنها را همان روز اول کشته باشیم برای اینکه مجرمند، و معلوم است که اینها مجرم هستند. آنکه باید برای او وکیل گرفت، آنکه باید به ادعای او گوش کرد، او متهم است نه مجرم. اینها متهم نیستند، اینها مجرم هستند.»<sup>۹</sup>

۲- از طرف دیگر مسئله این است که آیا هر گونه محدودیتی مجازات تلقی می‌گردد؟ مثلاً آیا ایستادن در پشت چراغ قرمز و یا ممنوعیت عبور مرور ماشین‌ها در طرح ترافیک را می‌توان مجازات نامید؟

این محدودیت‌ها هر چند برای فرد محدود شده ممنوعیت‌هایی را در پی دارد و وی را از منافی محروم می‌کند اما به هیچ عنوان مجازات تلقی نمی‌گردند؛ در سیستم اجرائی این اقدامات اقداماتی «تأمینی» تلقی می‌گردند که به جهت «تأمین منفعتی برای جامعه» وضع می‌گردند.

۳- حال سؤال اینجاست که محدودیت ایجاد شده برای سران اصحاب فتنه از نوع محدودیت تأمینی است یا از نوع محدودیت جزایی؟

حصر سران اصحاب فتنه مطابق با اصل ۱۷۶ قانون اساسی برای حفظ امنیت ملی صورت گرفته است. دستورات شورای عالی امنیت ملی بر اساس هیچ نوع برداشتی از قانون نمی‌تواند «مجازات» تلقی گردد چرا که اساساً منشأ صدور مجازات، قوه قضائیه است و نه شورای عالی امنیت ملی و احکام این شورا اقدامی تأمینی در جهت حفظ امنیت ملی تلقی می‌گردد.

۴- مسئله بعدی این است که اساساً حصر سران اصحاب فتنه نیز مرتبط با فتنه ۸۸ نیست تا گفته شود به دلیل مجازات ایشان این حصر صورت گرفته است؛ چرا که این حصر یک سال بعد از پایان فتنه ۸۸ اتفاق افتاده است. دلیل این حصر نیز آن بوده است که ایشان قصد ایجاد فتنه‌ای جدید را داشتند و قضایای ۲۵ بهمن ۸۹ را راه‌اندازی کردند و برنامه داشتند تا جریان

<sup>۹</sup> صحیفه امام، جلد ۶، صفحه ۴۵۹

بیداری اسلامی را منحرف کنند و قضایایی مشابه آنچه در سوریه اتفاق افتاد را به وجود آورند و بیداری اسلامی را به چالش بکشند. به همین دلیل نیز شورای عالی امنیت ملی دستور به حصر ایشان داد.

۵- همین رئیس جمهور فعلی، آقای روحانی از سال ۸۹ تا اکنون مستند به صورت جلسه‌ها و طبق شهادت مطلعین با حصر موافق بوده است.

۶- این حصر و محدودیت اعمال شده در واقع صرفاً رسانه ای است و بر خلاف تصور عده‌ای رفت و آمدها و امورات مختلف آن‌ها - از مراسم جشن تولد و حضور مهمانان گرفته تا تفریحات و سفرهای مختلف - برقرار است.

۷- از طرف دیگر همان مسائلی که آن روز امنیت ملی را به مخاطره می انداخته امروز نیز پا برجاست چرا که فتنه گران تنها به دنبال بهانه‌ای برای آشوب بودند؛ هنگامی که بهانه تقلب دست به آشوب زدند و بعد از آن نیز به بهانه‌های مختلف در روز قدس، ۱۳ آبان، ۱۶ آذر و ... این مسائل را ادامه دادند؛ تا این که در هنگامه بیداری اسلامی با دعوت دوباره اصحاب فتنه باز این مسائل به بهانه بهار عربی شروع شد و قرار شده بود که هر هفته سه شبه‌ها نیز ادامه یابد. سؤال این است آیا می‌توان کشور را هر روز معطل عده‌ای نمود تا هر دفعه به بهانه‌ای آرامش کشور را به هم بریزند؟ آزاد بودن اصحاب فتنه به معنای ادامه وضع امنیتی سال ۸۸ در کشور است آیا رواست که با عدم محدودیت برای چند نفر خاص این اوضاع برای کشور فراهم گردد؟ و برای کسب و کار زندگی و امنیت مردم مشکل پیش بیاید؟

۸- از طرف دیگر با توجه به کشته شدن مشکوک ندا آقا سلطان، برادرزاده موسوی و برخی دیگر از جان‌باختگان فتنه ۸۸ و با توجه به این که این مسائل می‌توانست سبب بروز شکاف اجتماعی در کشور شود و نزاع و اختلاف را هر لحظه بیشتر نماید.

به همین دلیل حفظ امنیت و جان سران اصحاب فتنه از اهمیتی فوق‌العاده برخوردار بود چرا که این مسئله می‌توانست برای کشور موضوع جدید امنیتی ایجاد کند و برای جریان فتنه نیز مظلوم‌نمایی کند.

افزایش احتمال سوء قصد به سران اصحاب فتنه با توجه به این که حالا مرگشان بیشتر از زنده آن‌ها به کار فتنه گران می‌آمد سبب شده بود تیم حفاظتی هشدارهایی را نسبت به حفظ امنیت ایشان بدهند به همین دلیل حصر سران اصحاب فتنه می‌توانست اقدامی امنیتی در جهت حفظ جان ایشان باشد و خطرات را نیز کم کند.

### بررسی حقوقی:

یکی از ابزارهای مشترک نظام سلطه و جریان تجدیدنظرطلب برای فشار به حاکمیت اسلامی در طول پنج سال اخیر بحث «حصر سران فتنه» بوده و موضوعی که جماعت مورد اشاره از قبل آن بسیاری از پروژه‌های راهبردی خود را به پیش می‌برند.

هر چند که اهداف این جریان از تکرار و اصرار بر رفع حصر سران اصحاب شهر آشوب ۸۸ را می‌توان در گزاره‌هایی مانند «مظلوم‌نمایی جریان تجدیدنظرطلب در مقابل حاکمیت»، «تطهیر و تغسیل سران اصحاب کودتای آن سال»، «فشار به نظام و نهادها و مراجع تصمیم گیر نظیر شورای نگهبان برای تأیید صلاحیت وابستگان به این طیف در آوردگاه‌های انتخاباتی پیش رو»، «زمینه‌سازی برای بازگشت آرام و خزنده به حاکمیت» و «به انفعال کشاندن حاکمیت و جریان مقابل در مقابل تحركات ساختارشکنانه جماعت برانداز» خلاصه کرد اما محور اصلی این موارد زیر «چرایی حصر» و نگاه حقوقی به این اقدام است. چراکه همانطور که اشاره شد جریان به هم پیوسته داخل و غرب در طول ماه‌های اخیر بارها اقدام شورای عالی امنیت را عملی غیر قانونی شمرده و زیر سؤال برده و خواهان رسیدگی به جرائم سران اصحاب فتنه شده است؛ حال با توجه به فشار روانی- رسانه‌ای پر دامنه علیه حاکمیت در طول این مدت بررسی نکاتی چند لازم است.

۱- حاکمیت برای تأمین امنیت جامعه دو وظیفه را مورد توجه قرار داده نخست «اعمال مجازات» و ایضا «اقدامات تأمینی».

در حالت نخست قانونگذار برای مجرم مجازاتی از قبیل حبس، اعدام و حد را مورد توجه قرار داده و در حالت دوم قانون مقرراتی را جهت تأمین امنیت جامعه تدوین کرده است.



در تعریف اقدامات تأمینی و تربیتی - یا حالت دوم- می‌آید: «اقدامات تأمینی عبارتند از تدابیری که حاکمیت برای جلوگیری از تکرار جرم (جنحه یا جنایت) درباره مجرمین خطرناک اتخاذ می‌کند. مجرمین خطرناک کسانی هستند که سوابق و خصوصیات روحی و اخلاقی آنان و کیفیت ارتکاب و جرم ارتكابی، آنان را در مظان ارتکاب جرم در آینده قرار دهد از اینکه قانونا مسئول باشند یا غیر مسئول.

باید گفت در مورد سران اصحاب فتنه حالت نخست بنا به دلایلی عملیاتی نشده هنوز مجازاتی برای آنها صورت نگرفته چراکه دادگاهی تشکیل نشده و تنها اقدام تأمینی با هدف تأمین امنیت جامعه مورد لحاظ قرار گرفته است. چه بسا اگر شورای عالی امنیت ملی بنا بر مصالحی حکم به حصر نمی‌داد اکنون باید مجازات لازم و تصریح شده در قانون مجازات اسلامی - مانند مواد مربوط به بعضی یا مفسد فی‌الارض- در مورد این افراد وضع می‌شد، هرچند همانگونه که انتظار می‌رود در آینده‌ای نزدیک دادگاهی جهت رسیدگی به اتهامات متنوع این افراد تشکیل خواهد شد.

همانطور که معاون اول قوه قضاییه اظهار داشتند: «تا کنون بر اساس اوضاع امنیتی و حکم شورای عالی امنیت ملی که به حکم وظیفه خواستار محاکمه نشدن آنها شده است سران فتنه محاکمه نشده‌اند چرا که مصوبه شورای عالی امنیت ملی به مثابه قانون است و اگر این مصوبه وجود نداشت قطعاً درخواست محاکمه سران فتنه قانونی است بنابر این چنانچه شورای عالی امنیت ملی نظر خود را تغییر دهد روش قوه قضائیه نیز در این مورد تغییر می‌کند.»<sup>۱۰</sup>

بنابراین حکم حصر اصلاً یک مجازات به شمار نمی‌آید چراکه بازداشت حکم دادگاه صالحه را می‌خواهد و محصورین شهر آشوب ۸۸ به‌خاطر مصالحی فعلاً در حصر به سر می‌برند.

<sup>۱۰</sup> چهارمین همایش دانشگاه سدی در برابر فتنه، تالار شیخ انصاری دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه

۲- اصل ۱۷۶ قانون اساسی در تشریح وظایف شورای عالی امنیت ملی تصریح می‌کند: «... به منظور تأمین منافع ملی و پاسداری از انقلاب اسلامی و تمامیت ارضی و حاکمیت ملی «شورای عالی امنیت ملی» به ریاست رئیس‌جمهور، با وظایف زیر تشکیل می‌گردد.

الف - تعیین سیاست‌های دفاعی - امنیتی کشور در محدوده سیاست‌های کلی...

ب - هماهنگ نمودن فعالیت‌های سیاسی، اطلاعاتی، اجتماعی، فرهنگی و...

ج - بهره‌گیری از امکانات مادی و معنوی کشور برای مقابله با تهدیدهای داخلی و خارجی...

با توجه به آنچه قانون اساسی برای شورای عالی امنیت ملی به عنوان اختیارات این شورا لحاظ کرده باید گفت شورای عالی امنیت ملی، «حصر» را تدبیری تأمینی برای حفظ امنیت کشور مورد توجه قرار داده است چراکه اصحاب فتنه طی یک سال با مجموعه رفتار و گفتار و تحرکات خود - از جمله بیانیه‌های موهوم که در آن مردم را به غارت و اغتشاش و آتش زدن امکان عمومی تحریک کرده - امنیت و نظم عمومی اجتماع را زیر سؤال بردند و در صورتی که با اینگونه اقدامات ضدامنیتی، به صورت قانونی برخورد نمی‌شد چه بسا شرایط آن روز کشور اوضاعی بدتر از مصر و عراق و سوریه را تجربه می‌کرد و آن زمان همین آقایانی که امروز سنگ رفع حصر را به سینه می‌زنند، هجمه می‌کردند که چرا مسئولان کشوری فکری به حال امنیت جامعه نمی‌کنند!

بنابراین اقدام شورای عالی امنیت ملی تدبیری جهت تأمین امنیت کشور آن هم بر اساس قانون اساسی و کاملاً قانونی و متقن است.

در کنار این تدبیر شورای عالی امنیت ملی از به‌وجود آمدن بسیاری دیگر از اقدامات که در صورت وقوع، امنیت و استقلال کشور را به مخاطره می‌انداخت جلوگیری کرد که از نمونه‌های آن می‌توان، تلاش معاندین و گروهک‌های تروریستی برای ترور میرحسین موسوی در همان ایام فتنه یاد کرد؛ به راستی اگر خاتمی یا میرحسین ترور می‌شد اوضاع کشور به چه سمت و سویی می‌رفت و آیا تدبیر شورای عالی از یک سو جان این افراد را حفاظت نکرد و از سوی دیگر امنیت جامعه را تأمین؟

۳- در اصل ۳۶ قانون اساسی می‌خوانیم: «حکم به مجازات و اجرای آن باید تنها از طریق دادگاه صالح و به موجب قانون باشد.»

اما مجمع تشخیص مصلحت نظام با مصوباتی مانند قانون اصناف و سیاست‌های کلی اصل ۴۴ توانسته نهادهای شبه‌قضایی را در کنار قوه قضائیه سازمان دهد؛ نهادهایی که در کنار محاکم قضایی می‌توانند احکام جزایی صادر نمایند، به عنوان نمونه شورای رقابت بر اساس همین مصوبه مجمع تشخیص می‌تواند تصمیمات و احکام قضایی صادر نماید یا سازمان تعزیرات حکومتی هم به عنوان نهادی شبه‌قضایی می‌تواند تصمیماتی را اتخاذ نماید، مثلاً احکامی برای گران‌فروشی کسبه صادر می‌کند بدون آنکه پرونده افراد به دادگاه برود.

در اینجا نهادی مانند مجمع تشخیص مصلحت نظام اصل ۳۶ قانون اساسی را تخصیص داده و حال خود قانون اساسی در اصل ۱۷۶ ماده ۳۶ را تخصیص داد و اتخاذ برخی از اقدامات تأمینی و امنیتی را به شورای عالی امنیت ملی داده است بدون آنکه لازم باشد اینگونه تصمیمات از مجاری دادگاه و قوه قضائیه بگذرد، به بیانی دیگر وقتی قوانین عادی می‌توانند قانون اساسی را تخصیص بزنند، قانون اساسی هم می‌تواند برخی از مواد خود را تخصیص بدهد و قاعداً اعتبار و ارزش حقوقی این اقدام بیشتر از مصوبات مجمع تشخیص مصلحت است.

بنابر آنچه ذکر شد اقدام شورای عالی امنیت ملی تدبیری قانونی است همانگونه که در اصل ۱۷۶ ذکر شده و تشخیص ادامه این روند و برگزاری زمان دادگاه سران اصحاب فتنه هم به این نهاد برمی‌گردد و اساساً غیرقانونی دانستن آن خلاف اصول حاکم بر قانون اساسی است که جریان هواخواه لیبرالیسم مدعی پیروی از آن است.

۴- مطابق آیه ۳۴ سوره مائده\* و همچنین تبصره ۱ ماده ۱۱۴\* قانون مجازات اسلامی توبه محاربین و مفسدین فی الارض صرفاً قبل از دستیابی بر آن‌ها قابل پذیرش است. با این اوصاف قبول توبه اصحاب محصور فتنه صرفاً به استناد حکم حکومتی ولی فقیه یا مصوبه شورای عالی امنیت ملی - که مشروعیت و اجرای آن نیز متوقف بر تایید ولی فقیه است -

قابل تحقق است و با اصول اولیه نمی‌توان از مجازات آن‌ها صرف نظر کرد.

\* إِلَّا الَّذِينَ تَابُوا مِنْ قَبْلِ أَنْ تَقْدِرُوا عَلَيْهِمْ فَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ

مگر آنها که قبل از دست یافتن شما بر آنان توبه کنند، بدانید (خدا توبه آنها را میپذیرد) خداوند آمرزنده و مهربان است.

\* تبصره ۱- توبه محارب قبل از دستگیری یا تسلط بر او موجب سقوط حد است.

در پایان باید گفت پس از گذشت پنج سال از غائله ۸۸ نه تنها سران اصحاب فتنه به اظهار ندامت و پشیمانی از اقدامات خود روی نیاورده‌اند بلکه بر رفتار گذشته خود پافشاری می‌کنند و در شرایطی که دادگاه این افراد شاید در آینده نزدیک برگزار شود، هنوز ادله‌ای محکمه‌پسند برای تقلب و ماه‌ها هنجارشکنی خود به افکار عمومی ارائه نکرده‌اند.

مقام معظم رهبری در دیدار ۱۲ تیر ۱۳۹۵ با برخی از دانشجویان در خصوص فتنه می‌فرماید: «رسم شده که از امام و نظام و انقلاب دم بزنند اما با کسی هم که می‌گوید "انتخابات بهانه است، اصل نظام نشانه است." همکاری کنند یا از او حمایت کنند؛ این نمیشود. موضع بنده در این مورد کاملاً صریح است؛ من بارها گفته‌ام که برای من این تقسیمات اصولگرا و اصلاح‌طلب و اصلاح‌طلب مدرن و سنتی و از این حرفهایی که می‌زنند، مطرح نیست؛ من به این اسمها اصلاً اهمیتی نمیدهم و توجه ندارم؛ به محتواها کار دارم؛ اما روی مسئله‌ی فتنه حسّاسم. حالا البته اکثر کسانی که در آن تظاهرات شرکت داشتند مردم معمولی بودند و هیچ تقصیری هم نداشتند اما یک عده‌ای سردمداری میکردند، یک عده هم سوءاستفاده کردند و گفتند "انتخابات بهانه است، اصل نظام نشانه است"؛ دیگر از این صریح‌تر؟ آیا این شعار داده شد یا نه؟ خب اگر این شعار داده شده، تبری از این شعار، آن روز هم لازم بود و باید می‌کردند که نکردند، حالا هم یک عده‌ای از آنها حمایت بکنند، آن وقت دم از امام و طرفداری از امام و طرفداری از نظام و طرفداری از انقلاب هم بزنند! این نمی‌شود، این قابل قبول نیست. این پدیده‌ی بسیار بدی است، پدیده‌ی زشتی است، این پدیده را ما اصلاً نمی‌پسندیم.»



تبیین اساس کار ما است. ما با ذهنها مواجهیم، با دلها مواجهیم؛ باید دلها قانع بشود. اگر دلها قانع نشد، بدنها به راه نمی‌افتد، جسمها به کار نمی‌افتد؛ این فرق بین تفکر اسلامی و تفکرات غیر اسلامی است... تفکر اسلامی تبیین است. فَأَنَّمَا عَلَیْكَ الْبَلَاغُ؛ به پیغمبر خدا می‌گوید وظیفه‌ی تو رساندن است، حرف را باید برسانی. باید تبیین کنید؛ حرفهایتان را، نظراتتان را بگویید؛ ... مسائل مهم کشور... برای خیلی‌ها روشن نیست. برای شما که مجموعه‌های دانشجویی هستید، اگر روشن نیست، بروید برای خودتان روشن کنید؛ اگر روشن است، برای مجموعه‌ی دانشجویی تبیین کنید.

مقام معظم رهبری ۱۳۹۵/۰۴/۱۲



تهیه شده در موسسه مطالعات و پژوهش‌های  
سیاسی و فرهنگی روشنگر